

شباهتها و تفاوت‌های گویشهای تالشی، گیلکی و مازندرانی*

ایران کلباسی

مقدمه

گرچه گویشهای تالشی، گیلکی و مازندرانی هر سه در کرانه دریای خزر قرار دارند و از نظر موقعیت جغرافیایی نزدیک به هم قرار گرفته‌اند ولی نه تنها در بخش واژگان و آوایی بلکه از نظر دستوری نیز تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر دارند. در این مقاله گویش اسالمی به عنوان گونه‌ای از تالشی، گویش املشی به عنوان گونه‌ای از گیلکی و گویش کلاردستی به عنوان گونه‌ای از مازندرانی مورد بررسی قرار گرفته و برخی از شباهتها و تفاوت‌های آنها بیان گردیده است.

۱ گویش اسالمی

اسالم منطقه‌ای در شهرستان تالش در استان گیلان است. گویش اسالمی دارای ویژگیهای زیر می‌باشد:

۱-۱ تعداد همخوانهای آن مانند فارسی ۲۳ عدد است.

۲-۱ تعداد واکه‌های آن ۷ عدد است. این واکه‌ها عبارت‌اند از: â (kâ از)، a (na با)، i (ispi سفید)، u (du دوغ)، ü (dû دود)، e (se سه) و ə (sə سنگ).

واکه مرکب ow نیز در این گویش کاربرد دارد، مانند owrat «زن»، owsun «افسون»،

owšar «شریر».

* این مقاله در نخستین همایش فرهنگ و تمدن تالش که در تاریخ ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ماه ۸۳ توسط مرکز پژوهشی گیلان‌شناسی در دانشگاه گیلان برگزار گردید به صورت سخنرانی ارائه شده است.

۳-۱ کشش در این گویش نقش واجی دارد و تمایز معنی به وجود می‌آورد، مانند ča «مال او»، ča: «چیست» و ra «رگ»، ra: «تگرگ».

۴-۱ هماهنگی واکه‌ای در این گویش بسیار است، مانند ne-m-a-š «نمی‌روم»، vi-ni-š-a-gat «نمی‌خری» و bu-bu-φ «باشد»، bi-vri-j-φ «بدو». در مثالهای اخیر ne- و ni- گونه‌هایی از نشانهٔ نفی و bu- و bi- گونه‌هایی از پیشوند وجه التزامی یا امری است.

۵-۱ همخوانهای میانجی در این گویش عبارت‌اند از: [ʔun]owliyâ-بزرگان، y [ra-y]e رگها، w [bərâ-w]a برادر است، r [bə-da-r]am بدهیم و m [esba-m]un سگها).

۶-۱ جنس در این گویش وجود ندارد.

۷-۱ اسم در این گویش دارای حالت است. به این معنی که حالت‌های هشتگانهٔ اسم در زبانهای ایرانی باستان در این گویش به دو صورت صریح یا بی‌نشان (direct) و غیرصریح یا نشاندار (oblique) به کار می‌رود و در اسامی مفرد یا جمع نشانه‌های متفاوت می‌گیرد. نشانهٔ حالت مفرد صریح φ-، مفرد غیرصریح i-، جمع صریح e- و جمع غیرصریح un- است که به همراه فاعل، مفعول مستقیم، مفعول حرف اضافه‌ای (غیرمستقیم) و در ترکیبات اضافی به کار می‌روند. حالت صریح معمولاً با فعل جمله مطابقت دارد:

xerdan-φ virit-a. بچه دوید.
مفرد صریح فاعلی

xerdan-e virit-in. بچه‌ها دویدند.
جمع صریح فاعلی

varg-e pas-i n-a:r-un. گرگها میش را نخورند.
جمع صریح فاعلی مفرد غیرصریح مفعولی

varg-e pas-un n-a:r-un. گرگها میش‌ها را نخورند.
جمع صریح فاعلی جمع غیرصریح مفعولی

varg-i gâ-φ hard-a. گرگ گاو را خورد.
مفرد غیرصریح فاعلی مفرد صریح مفعولی

varg-i pas-e hard-in. گرگ میش‌ها را خورد.
مفرد غیرصریح فاعلی مفرد صریح مفعولی

pas-un vâš-φ bə-da-φ. به میش‌ها علف بده.
جمع غیرصریح مفعولی مفرد صریح مفعولی

xerdan-un ma-vâj-φ. به بچه‌ها نگو.
جمع غیرصریح مفعولی

xerdan-i sar kâr-a dâj du[w]e. سر بچه دارد درد می‌کند.
مفرد غیرصریح اضافی

vayu-[w]un gaf-φ ža. با عروسها حرف زدم.
جمع غیرصریح مفعولی

vayu-[y]e virit-in. عروسها دویدند.
جمع صریح فاعلی

باید توجه کرد که اگر اسم مختوم به واکه باشد i- نشانهٔ مفرد غیرصریح حذف می‌گردد:

ka-φ kâ دز اطاق
مفرد غیرصریح مفعولی

vayu-φ râ برای عروس
مفرد غیرصریح مفعولی

۸-۱ ضمایر شخصی آزاد نیز دارای حالت‌اند و در نقشهای فاعلی، مفعولی و ملکی به کار می‌روند:

فاعلی	عامل یا مفعولی	ملکی
az من	mən مرا	čəmən مال من
tə تو	tə تو را	əštə مال تو
a او	a او را	ča(yi) مال او
ama ما	ama ما را	čama مال ما
šəma شما	šəma شما را	šəma مال شما
aye آنها	awun آنها را	čawun مال آنها

مثال:

mən ba tə čə karda ba. من به تو چه کرده بودم.
عامل مفعول مفعول

tə čəmən zuwa ža ba. تو پسر مرا زده بودی.
عامل مفعول

čəmən šavi kiyâ-[r]a? پیراهن من کجاست؟
مسئدالیه

۹-۱ ضمائر اشاره مانند ضمائر شخصی دارای حالت‌اند و در نقشهای فاعلی، مفعولی و ملکی به کار می‌روند:

فاعلی	عامل یا مفعولی	ملکی
əm این	əmi/imi این را	čəmi/čimi مال این
a آن	a آن را	ča(yi) مال آن
əme اینها	əmun اینها را	čumun مال اینها
aye آنها	awun آنها را	čawun مال آنها

مثال:

əm čəmən-a.

مسندالیه

این مال من است.

əmi pə-ge-φ.

مفعول

این را بردار.

čəmi zuwa kiyâ-[r]a?

مسندالیه

پسر این کجاست؟

۱۰-۱ ضمیر مشترک به صورت «xod, xoyštan» است:

əštan partâl -eš šušt-a.

مفعول

لباس خود را شست.

mən əštan asb vard-a.

عامل

مفعول

من اسب خود را آوردم.

۱۱-۱ در این گویش ضمائر شخصی پیوسته نیز در نقشهای فاعلی، مفعولی و ملکی به کار می‌روند.

این ضمائر در نقش فاعلی به اجزای مختلف جمله می‌پیوندند:

-em

-er

-eš

-emun

-erun

-ešun

مثال:

pata -r ba. پخته بودی.
ضمیر فاعلی

zun -eš â-kard-a. زبان باز کرد.
ضمیر فاعلی

pâ -š gat-a. پا گرفت.
ضمیر فاعلی

hani -š arsi kard-a. دوباره عروسی کرد.
ضمیر فاعلی

dânâ -m -a jif-i kâ. نهادم در جیب.
ضمیر فاعلی

xayli vaxt-a tə -m vinda ni. خیلی وقت است تو را ندیده‌ام.
ضمیر فاعلی

i pâ -š əm dinyâ kâ-[r]a. یک پایش در این دنیا است.
ضمیر ملکی

yâd -er -a? یادت هست؟
ضمیر مفعولی

xasa -r bâ. تو را خیر باشد.
ضمیر مفعولی

۱-۱۲ این گویش دارای ساخت ارگتیواست. به این معنی که گذشتهٔ افعال متعدی به جای شناسهٔ فعلی از ضمائر شخصی پیوسته استفاده می‌کند. یا از ضمائر شخصی آزاد به عنوان عامل، بهره می‌گیرد:

vind -er -a. دیدی.
ضمیر فاعلی

tə vind-a. تو دیدی.
عامل

۱-۱۳ حروف اضافهٔ پیشین و پسین هر دو را دارد. حروف اضافهٔ پیشین مانند bi «بی»، ba «به» و حروف اضافهٔ پسین مانند na «با»، kâ «در، از، روی» و râ «برای»:

bi čəmən بی‌من

ba tə به تو

asb-i na با اسب

xâk-i kâ در خاک

âxerat-i râ برای آخرت

ملاحظه می‌گردد که قبل از حروف اضافهٔ پسین، در پایان اسم، نشانهٔ *i*- قرار می‌گیرد.
 ۱-۱۴ صفت معمولاً قبل از اسم می‌آید، از نظر نشانهٔ جمع با اسم مطابقت نمی‌کند و در پایان نشانهٔ *a*- می‌گیرد:

sər-a asb اسب سرخ

sər-a asb-e اسبهای سرخ

sər-a asb-un اسبهای سرخ را

صفت جانشین اسم علامت جمع می‌گیرد:

çâk-e savsar b-uma-n. خوبها فردا می‌آیند.

۱-۱۵ صفت تفضیلی و عالی با حرف اضافهٔ *kâ* «از» ساخته می‌شود:

çəmən asb-i kâ dunyâ kâ çâk asb niya.

از اسب من در دنیا خوب (=خوبتر) اسب نیست.

hiçkas ça kâ çâk nun ni-ya-pat. هیچ کس از او خوب (=خوبتر) نان نمی‌پزد.

۱-۱۶ معدود با عدد هماهنگی دارد، به این معنی که اسم همراه با عدد علامت جمع می‌گیرد. اگر پس از عدد واحد شمارش *gla* «تا» بیاید اسم علامت جمع نمی‌گیرد:

də bərâ-ye دو برادر

sə gla bərâ سه تا برادر

۱-۱۷ مصدر با ستاک گذشته، نشانهٔ مصدری *e*- و پیشوند اشتقاقی ساخته می‌شود:

hard-e خوردن

âm-e آمدن

â-dašt-e دوختن

da-kard-e پوشیدن

۱۸-۱ اسم مفعول با ستاک گذشته، نشانه اسم مفعول -a و پیشوند اشتقاقی ساخته می‌شود:

virit-a	دویده
š-a	رفته
â-hašt-a	کنار گذاشته شده
da-mard-a	مُرده

۱۹-۱ اسم فاعل با پیشوند a- و ستاک حال ساخته می‌شود:

a-xun	خواننده
a-mas	شنونده
a-pej	پزنده، آشپز

۲۰-۱ نشانه فعل سببی -ân- است که پس از ستاک حال فعل می‌آید و وند زمان گذشته -əst- پس از آن قرار می‌گیرد:

xur-ân-əst-e	خندانیدن
har-ân-əst-e	خورانیدن
xəs-ân-əst-e	خوابانیدن

۲۱-۱ فعل مجهول با ستاک حال و وند زمان گذشته -ist- ساخته می‌شود:

har-d-e	خوردن
har-ist-e	خورده شدن
har-ist-im	خورده شدم
b-a-har-ist-im	خورده می‌شوم

۲۲-۱ پیشوندهای اشتقاقی فعلی در این گویش عبارت‌اند از -â (گونه‌ای از -hâ-), -da-, -dar-, -pe-, -bar-, -vi-, -jî-, -jîr-, -fərâ-, که به یکی از معانی «به طرف بالا، به طرف پایین، به طرف درون، به طرف بیرون» به کار می‌روند:

â-xəry-e	باز خریدن
da-kard-e	پوشیدن، به داخل انداختن
da-bast-e	بستن

dar-ward-e	به داخل آوردن
dar-âm-e	وارد شدن
pe-get-e	بلند کردن
pe-kard-e	بیدار کردن
bar-kard-e	بیرون انداختن
bar-ward-e	بیرون آوردن
vi-get-e	برداشتن
vi-kard-e	فرو ریختن
vi-mard-e	خاموش شدن
ĵi-kard-e	پخش کردن
ĵir-ward-e	پایین آوردن
fârâ-š-e	دور رفتن
fârâ-du-[w]e	بیرون انداختن

۲۳-۱ فعل پی‌بستی «بودن» که در زمان حال به دنبال اسم یا صفت می‌آید در این گویش به صورت زیر است:

nâ sâz -im	ناخوشم
nâ sâz -iš	ناخوشی
nâ sâz -a	ناخوش است
nâ sâz -imun	ناخوشیم
nâ sâz -irun	ناخوشید
nâ sâz -in	ناخوشند

۲۴-۱ شناسه‌های فعلی در این گویش دو نوع‌اند. نوع اول با فعل حال التزامی می‌آید و نوع دوم با بقیهٔ صیغه‌های فعلی:

نوع اول	نوع دوم
-um	-im
-i	-iš
-u	-a/-φ

-am	-imun
-an	-(iru)n
-un	-in

۲۵-۱ فعل حال ساده (اخباری یا استمراری) با گونه‌ای از پیشوند تصریفی -be یا پیشوند اشتقاقی، نشانه استمراری -a، ستاک گذشته و شناسه‌های فعلی نوع دوم ساخته می‌شود:

b-a-vrit-im	می‌دوم	pe-m-a-p	بلند می‌شوم
b-a-vrit-iš	می‌دوی	pe-š-a-p	بلند می‌شوی
b-a-vrit-a	می‌دود	pe-[r]-a-p	بلند می‌شود
b-a-vrit-imun	می‌دویم	pe-mun-a-p	بلند می‌شویم
b-a-vrit-irun	می‌دوید	pe-n-a-p	بلند می‌شوید
b-a-vrit-in	می‌دوند	pe-n-a-p	بلند می‌شوند

منفی:

ni-m-a-vrit	نمی‌دوم
pe-nə-m-a-p	بلند نمی‌شوم

۲۶-۱ فعل حال التزامی با گونه‌ای از پیشوند تصریفی -be یا پیشوند اشتقاقی، ستاک حال فعل و شناسه‌های نوع اول ساخته می‌شود:

bi-vriĵ-um	بدوم	vi-ger-um	بردارم
bi-vriĵ-i	بدوی	vi-ger-i	برداری
bi-vriĵ-u	بدود	vi-ger-u	بردارد
bi-vriĵ-am	بدویم	vi-ger-am	برداریم
bi-vriĵ-an	بدوید	vi-ger-an	بردارید
bi-vriĵ-un	بدوند	vi-ger-un	بردارند

منفی:

nə-vriĵ-um	ندوم
vi-nə-ger-um	برندارم

۱-۲۷ فعل حال التزامی شرطی با گونه‌ای از پیشوند تصریفی be- یا پیشوند اشتقاقی، ستاک حال فعل، نشانه شرطی â- و شناسه‌های نوع دوّم ساخته می‌شود:

agar bə-š-â-m	اگر بروم
agar bə-š-â-š	اگر بروی
agar bə-š-â-φ	اگر برود
agar bə-š-â-mun	اگر برویم
agar bə-š-â-run	اگر بروید
agar bə-š-â-n	اگر بروند

۱-۲۸ فعل امر از پیشوند تصریفی be- یا پیشوند اشتقاقی، ستاک حال فعل و شناسه فعلی ساخته می‌شود:

bi-vrij-φ	بدو
bi-vrij-an	بدوید
vi-ge(r)-φ	بردار
vi-ger-an	بردارید
pe-ge(r)-φ	بلند کن
pe-ger-an	بلند کنید

منفی:

nə-vrij-φ	ندو
vi-nə-ger-φ	برندار

۱-۲۹ فعل گذشته ساده لازم با ستاک گذشته فعل و شناسه‌های فعلی نوع دوّم ساخته می‌شود. پیشوند اشتقاقی در آغاز این صیغه فعلی قرار می‌گیرد:

virit-im	دویدم	pe-p-im	بلند شدم
virit-iš	دویدی	pe-p-iš	بلند شدی
virit-a	دوید	pe-p-a	بلند شد
virit-imun	دویدیم	pe-p-imun	بلند شدیم
virit-irun	دویدید	pe-p-irun	بلند شدید
virit-in	دویدند	pe-p-in	بلند شدند

منفی:

nə-vrit-im ندویدم

pe-nə-p-im بلند نشدم

فعل گذشته ساده متعدی با ستاک گذشته فعل، ضمائر شخصی پیوسته (یا عامل) و فعل a

«است» ساخته می‌شود:

vind-em-a دیدم mən vind-a من دیدم

vind-er-a دیدی tə vind-a تو دیدی

vind-eš-a دید a vind-a او دید

vind-emun-a دیدیم ama vind-a ما دیدیم

vind-erun-a دیدید šəma vind-a شما دیدید

vind-ešun-a دیدند awun vind-a آنها دیدند

منفی:

nə-vind-em-a ندیدم

mən nə-vind-a من ندیدم

۳۰-۱ فعل گذشته استمراری لازم و متعدی با دو نشانه استمرار a- و -i، ستاک حال فعل و

شناسه‌های فعلی نوع دَوم ساخته می‌شود. پیشوند اشتقاقی در آغاز این نوع فعل قرار می‌گیرد:

a-vriḵ-i-m می‌دویدم a-vin-i-m می‌دیدم

a-vriḵ-i-š می‌دویدی a-vin-i-š می‌دیدی

a-vriḵ-i-ϕ می‌دوید a-vin-i-ϕ می‌دید

a-vriḵ-i-mun می‌دویدیم a-vin-i-mun می‌دیدیم

a-vriḵ-i-run می‌دویدید a-vin-i-run می‌دیدید

a-vriḵ-i-n می‌دویدند a-vin-i-n می‌دیدند

منفی:

n-a-vriḵ-i-m نمی‌دویدم

n-a-vin-i-m نمی‌دیدم

dar-a-ras-i-m می‌رسیدم

dar-n-a-ras-i-m نمی‌رسیدم

۳۱-۱ گذشتهٔ استمراری شرطی لازم و متعدی با گونه‌ای از پیشوند be- یا پیشوند اشتقاقی، نشانهٔ استمرار -a، ستاک حال فعل، نشانهٔ شرطی -e و شناسه‌های فعلی نوع دوّم ساخته می‌شود:

agar b-a-vrij-e-m اگر می‌دویدم

agar b-a-vrij-e-š اگر می‌دویدی

agar b-a-vrij-e-φ اگر می‌دوید

agar b-a-vrij-e-mun اگر می‌دویدیم

agar b-a-vrij-e-run اگر می‌دویدید

agar b-a-vrij-e-n اگر می‌دویدند

agar b-a-vâj-e-m اگر می‌گفتم

agar b-a-vâj-e-š اگر می‌گفتی

agar b-a-vâj-e-φ اگر می‌گفت

agar b-a-vâj-e-mun اگر می‌گفتیم

agar b-a-vâj-e-run اگر می‌گفتید

agar b-a-vâj-e-n اگر می‌گفتند

منفی:

agar n-a-vrij-e-m اگر نمی‌دویدم

agar n-a-vâj-e-m اگر نمی‌گفتم

agar dar-a-ras-e-m اگر می‌رسیدم

agar dar-n-a-ras-e-m اگر نمی‌رسیدم

۳۲-۱ گذشتهٔ نقلی لازم از اسم مفعول فعل و شناسه‌های فعلی نوع دوّم ساخته می‌شود و تکیه بر آخرین هجای اسم مفعول است:

viríta-m دویده‌ام

viríta-š دویده‌ای

viríta-φ دویده است

viríta-mun دویده‌ایم

viríta-run دویده‌اید

viríta-n دویده‌اند

منفی:

viríta ni-m	ندویده‌ام
viríta ni-š	ندویده‌ای
viríta ni-φ	ندویده است
viríta ni-mun	ندویده‌ایم
viríta ni-run	ندویده‌اید
viríta ni-n	ندویده‌اند

گذشته نقلی متعدی شبیه گذشته ساده متعدی است:

vât-em-a	گفتم، گفته‌ام
vind-em-a	دیدم، دیده‌ام
mæn vind-a	من دیدم، من دیده‌ام
nə-vât-em-a	نگفتم، نگفته‌ام
mæn nə-vind-a	من ندیدم، من ندیده‌ام

۱-۳۳ گذشته دور افعال لازم از اسم مفعول فعل اصلی و گذشته ساده فعل «بودن» ساخته می‌شود:

virita-b-im	دویده بودم
virita-b-iš	دویده بودی
virita-b-a	دویده بود
virita-b-imun	دویده بودیم
virita-b-irun	دویده بودید
virita-b-in	دویده بودند

منفی:

virita-nə-b-im	ندویده بودم
----------------	-------------

گذشته دور افعال متعدی از ستاک گذشته فعل، ضمائر شخصی پیوسته و فعل «بود» ساخته می‌شود:

vât-em-ba	گفته بودم
vât-er-ba	گفته بودی
vât-eš-ba	گفته بود
vât-emun-ba	گفته بودیم
vât-erun-ba	گفته بودید
vât-ešun-ba	گفته بودند

منفی:

nə-vât-em-ba ننگفته بودم

۳۴-۱ گذشته دور شرطی افعال لازم و متعدی شبیه گذشته دور افعال لازم و متعدی است، با این تفاوت که فعل «بودن» به صورت گذشته استمراری شرطی می‌آید:

agar ša-b-e-m	اگر رفته بودم
agar ša-b-e-š	اگر رفته بودی
agar vât-em-be	اگر گفته بودم
agar vât-er-be	اگر گفته بودی
agar ša-nə-b-e-m	اگر نرفته بودم
agar nə-vât-em-be	اگر ننگفته بودم

۳۵-۱ گذشته التزامی افعال لازم از اسم مفعول فعل اصلی و حال التزامی فعل «بودن» ساخته می‌شود:

ša-b-um	رفته باشم
ša-b-i	رفته باشی
ša-b-u	رفته باشد
ša-b-am	رفته باشیم
ša-b-an	رفته باشید
ša-b-un	رفته باشند

منفی:

ša-nə-b-um نرفته باشم

گذشته التزامی افعال متعدی از ستاک گذشته فعل، ضمائر شخصی پیوسته و فعل «باشد»

ساخته می‌شود:

vât-em-bu گفته باشم

vât-er-bu گفته باشی

vât-eš-bu گفته باشد

vât-emun-bu گفته باشیم

vât-erun-bu گفته باشید

vât-ešun-bu گفته باشند

منفی:

nə-vât-em-bu نگفته باشم

۱-۳۶ گذشته التزامی شرطی لازم و متعدی شبیه گذشته التزامی لازم و متعدی است، با این تفاوت

که فعل «بودن» به صورت حال التزامی شرطی می‌آید:

agar ša-b-â-m اگر رفته باشم

agar ša-b-â-š اگر رفته باشی

agar ša-b-â-φ اگر رفته باشد

agar ša-b-â-mun اگر رفته باشیم

agar ša-b-â-run اگر رفته باشید

agar ša-b-â-n اگر رفته باشند

agar vât-em-b-â اگر گفته باشم

agar vât-er-b-â اگر گفته باشی

agar vât-eš-b-â اگر گفته باشد

agar vât-emun-b-â اگر گفته باشیم

agar vât-erun-b-â اگر گفته باشید

agar vât-ešun-b-â اگر گفته باشند

۳۷-۱ فعل حال در حال انجام با نشانه استمرار *kâr*، حال ساده فعل «بودن» و مصدر ساخته می‌شود:

<i>kâr-im-še</i>	دارم می‌روم
<i>kâr-iš-še</i>	داری می‌روی
<i>kâr-a-še</i>	دارد می‌رود
<i>kâr-imun-še</i>	داریم می‌رویم
<i>kâr-irun-še</i>	دارید می‌روید
<i>kâr-in-še</i>	دارند می‌روند

منفی:

kâr-ni-m-še دارم نمی‌روم

۳۸-۱ فعل گذشته در حال انجام با نشانه استمرار *kâr*، گذشته ساده فعل «بودن» و مصدر ساخته می‌شود:

<i>kâ(r)-b-im-še</i>	داشتم می‌رفتم
<i>kâ(r)-b-iš-še</i>	داشتی می‌رفتی
<i>kâ(r)-b-a-še</i>	داشت می‌رفت
<i>kâ(r)-b-imun-še</i>	داشتیم می‌رفتیم
<i>kâ(r)-b-irun-še</i>	داشتید می‌رفتید
<i>kâ(r)-b-in-še</i>	داشتند می‌رفتند

منفی:

kâ(r)-nə-b-im-še داشتم نمی‌رفتم

۳۹-۱ تعدادی واژه:

<i>asb</i>	اسب
<i>xerdan</i>	بچه
<i>bərà</i>	برادر
<i>zuwa</i>	پسر
<i>xâlâ</i>	خواهر

čâk	خوب
ka	خانه
dâr	درخت
žan	زن
sər	سرخ
esba	سگ
vayu	عروس
puču	ګر به
varg	ګرګ
nana	مادر

۲ ګویش املشی

شهرستان املش در شرق استان گیلان قرار دارد و ګویش املشی دارای ویژگیهای زیر است:
۱-۲ تعداد همخوانهای آن مانند فارسی ۲۳ عدد است.

۲-۲ تعداد واکلهای آن ۸ عدد است. این واکلهها عبارتاند از : â (dâr درخت)، a (da ده)، i (jir پایین)، u (pur پر)، ü (düd دود)، e (kek کیک)، ə (zən زن) و o (or آنجا).

باید اضافه کرد که واکهٔ ü (پیشین، بسته، گرد) در این ګویش واجگونهٔ u است و واکهٔ ə (مرکزی، نیمبسته) واجگونهٔ واکلهای a, e, o یا â محسوب می‌شود.

واکهٔ مرکب ow در این ګویش به کار می‌رود، مانند xow «خواب».

۳-۲ کشش در این ګویش نقش آوایی دارد و نه واجی، مانند o: (šo:n رفتن)، e: (če:n زائیدن)، a: (za:k بچه).

۴-۲ هماهنگی واکلهای در این ګویش بسیار است، مانند «شمارا» šəmər «برگشتن» vəgərəsən.

۵-۲ همخوانهای میانجی در این ګویش عبارتاند از: ?(do-[ʔ]əm می‌دوم)، y (bi-[y]e بیا) و r (to-[r]o piyar تو و پدر).

۶-۲ جنس در این ګویش وجود ندارد.

۷-۲ اسم در این ګویش حالت ندارد.

۸-۲ ضمایر شخصی آزاد دارای حالت‌اند. و در نقشهای فاعلی، مفعولی و ملکی به کار می‌روند:

فاعلی		مفعولی		ملکی	
mu	من	mər	مرا، به من	mi pā	پای من
tu	تو	tər	تو را، به تو	ti pā	پای تو
un	او	unə	او را، به او	unə pā	پای او
āmu	ما	amər	مارا، به ما	ami pā	پای ما
šomu	شما	šəmər	شما را، به شما	šəmi pā	پای شما
ušon	آنها	ušonə	آنها را، به آنها	ušonə pā	پای آنها

توجه شود که در این گویش حرف اضافه «از» با ضمایر مفعولی به کار می‌رود ولی حروف اضافه «برای» و «با» با ضمایر ملکی همراه می‌شوند:

mər-ə jī	از من	mi vasər	برای من
tər-ə jī	از تو	ti vasər	برای تو
unə jī	از او	unə vasər	برای او
amər-ə jī	از ما	ami vasər	برای ما
šəmər-ə jī	از شما	šəmi vasər	برای شما
ušonə jī	از آنها	ušonə vasər	برای آنها

mi hamra	با من
ti hamra	با تو
unə hamra	با او
ami hamra	با ما
šəmi hamra	با شما
ušonə hamra	با آنها

شباهتها و تفاوتهای گویشهای تالشی، گیلکی و مازندرانی

۹-۲ ضمائر اشاره مانند ضمائر شخصی دارای حالت‌اند و در نقشهای فاعلی، مفعولی و ملکی به کار می‌روند.

فاعلی		مفعولی		ملکی	
in	این	in-ə	این را	in-ə pā	پای این
un	آن	un-ə	آن را	un-ə pā	پای آن
išon	اینها	išon-ə	اینها را	išon-ə pā	پای اینها
ušon	آنها	ušon-ə	آنها را	ušon-ə pā	پای آنها

۱۰-۲ ضمیر مشترک به صورت xu یا xo است:

tu xo rə bo-košt-i تو خود را کشتی.

xu xonə miyan در خانه خود

xu dār-ə ĵi از درخت خود

۱۱-۲ ضمائر شخصی پیوسته در این گویش به کار نمی‌روند.

۱۲-۲ این گویش دارای ساخت ارگتیو نیست.

۱۳-۲ حروف اضافه پیشین و پسین هر دو را دارد. حروف اضافه پیشین مانند bi «بی»، az «از»، bədunə «بدون»، tâ «تا»، râĵi-bə «راجع به» و حروف اضافه پسین مانند ĵi «از»، (r)ə «به»، miyan «تو، داخل، در»، hamra «با، همراه»، vasər «برای، بخاطر»، ra «برای»:

bi pul بی پول

az er از اینجا

bedun-e ĵâ بدون جا

tâ xonə تا خانه

râĵi-bə šivâ راجع به شیوا

dār-ə ĵi be-kət-əm. از درخت افتادم.

za:k-ə ha-da-m. به بچه دادم.

tə-r ha-da-m. به تو دادم.

habs-ə miyan در حبس

sedâ hamra با صدا

ti vasər بخاطر تو

ali ra برای علی

ملاحظه می‌گردد که قبل از حروف اضافهٔ پسین، در پایان اسم در این گویش نشانهٔ ə- قرار می‌گیرد، ولی این نشانه پس از اسامی مختوم به واکه حذف می‌گردد.

۱۴-۲ صفت معمولاً قبل از اسم قرار می‌گیرد، از نظر نشانهٔ جمع با اسم مطابقت نمی‌کند و در پایان نشانهٔ ə- می‌گیرد:

surx-ə sib سبب سرخ

surx-ə sib-en سیبهای سرخ

صفتِ جانشین اسم علامت جمع می‌گیرد:

xub-on b-uma-n خوبها آمدند.

۱۵-۲ صفت تفضیلی با پسوند -tər و صفت عالی با «از همه» ساخته می‌شود:

surx-tər سرخ‌تر

hamə ji surx-tər از همه سرخ‌تر

۱۶-۲ معدود با عدد هماهنگی ندارد، به این معنی که نشانهٔ جمع نمی‌گیرد. عدد معمولاً با واحد شمارش tə «تا» همراه می‌شود:

yə tə lâku یک تا دختر

du tə xonə دو تا خانه

۱۷-۲ مصدر با ستاک گذشته، نشانهٔ مصدری n(ə)- و پیشوند اشتقاقی ساخته می‌شود:

xord-ən خوردن

xot-ən خوابیدن

purse-n پرسیدن

gud-ən انجام دادن

bo:-n بودن

bo-bo:-n شدن

du-xond-ən صدا کردن

۱۸-۲ اسم مفعول با پیشوند تصریفی یا اشتقاقی، ستاک گذشته و نشانه اسم مفعول -ə یا -ϕ ساخته می‌شود:

bo-put-ə پخته

bu-xot-ə خوابیده

ha-da-ϕ داده

vir-isa-ϕ برخاسته

ملاحظه می‌گردد که نشانه -ə پس از همخوان و -ϕ پس از واکه می‌آید.

۱۹-۲ اسم فاعل با ستاک حال و پسوند -ə/ənda ساخته می‌شود:

kuš-ənda/ə کُشنده

xon-ənda/ə خواننده

pər-ənda/ə پرنده

۲۰-۲ نشانه فعل سببی -an است که پس از ستاک حال فعل قرار می‌گیرد ووند زمان گذشته -e پس از آن قرار می‌گیرد:

tərs-an-e-n ترسانیدن

rəs-an-e-n رسانیدن

۲۱-۲ فعل مجهول با اسم مفعول فعل اصلی به کمک فعل «شدن» bo-bo:n ساخته می‌شود:

bo-kušt-ə bo-bo:n کشته شدن

bo-kušt-ə bo-bo-m کشته شدم

bə-də bo-bo-m دیده شدم

ha-da bo-bu داده شد

۲۲-۲ پیشوندهای اشتقاقی فعلی عبارت‌اند از: -vâ-, -furu-, -fə-, -fu-, -dər-, -do-, -du-, -də-ha-: «درون، برون، به طرف بالا، به طرف پایین» به کار می‌روند: vir-, -vo-, -va-, -və-

ha-da:-n دادن

də-baxt-ən باختن

du-xond-ən صدا کردن

do-mut-ən	لگد زدن
dər-ama-n	درآمدن
fu-dušt-ən	مکیدن
fə-kəše-n	سفت کردن
furu-šo:-n	فرو رفتن
vâ-dašt-ən	وادار کردن
və-gər-əs-ən	برگشتن
va-kət-ən	عقب افتادن
vo-san-e-n	پاره کردن
vir-isa-n	برخاستن

چنین به نظر می‌رسد که پیشوند â- که گونه‌ای از پیشوند hâ- است. در این گویش تصریفی است و نه اشتقاقی:

xub-â-bo:-n	خوب شدن
furu-â-gud-ən	فرو کردن

۲-۲۳ فعل پی‌بستی «بودن» که در زمان حال به دنبال اسم یا صفت قرار می‌گیرد به صورت زیر است:

xub-əm	خوبم
xub-i	خوبی
xub-a	خوب است
xub-im	خوبیم
xub-in	خوبید
xub-ən	خوبند

۲-۲۴ شناسه‌های فعلی در این گویش به صورت زیرند:

- əm
- i
- a/-e/-φ
- im
- in
- ən

۲۵-۲ فعل حال ساده (اخباری یا استمراری) با ستاک حال و شناسه فعلی ساخته می‌شود:

xor-əm	می خورم	go -m	می گویم
xor-i	می خوری	g -i	می گویی
xor-a	می خورد	g -e	می گوید
xor-īm	می خوریم	g -īm	می گوییم
xor-in	می خرید	g -in	می گوید
xor-ən	می خورند	go -n	می گویند

منفی:

nu-xor-əm	نمی خورم
no-go-m	نمی گویم

۲۶-۲ فعل حال التزامی با پیشوند تصریفی یا اشتقاقی، ستاک حال فعل و شناسه فعلی ساخته می‌شود:

bu-xor-əm	بخورم	bo-go-m	بگویم
bu-xor-i	بخوری	bə-g-i	بگویی
bu-xor-a	بخورد	bə-g-e	بگوید
bu-xor-īm	بخوریم	bə-g-īm	بگوییم
bu-xor-in	بخورید	bə-g-in	بگوید
bu-xor-ən	بخورند	bo-go-n	بگویند

منفی:

nu-xor-əm	نخورم
no-go-m	نگویم

۲۷-۲ به نظر می‌رسد ساخت خاصی برای فعل حال التزامی شرطی در این گویش وجود نداشته باشد.

۲۸-۲ فعل امر شبیه حال التزامی است، جز اینکه شناسه دوم شخص مفرد ϕ - است:

bu-xor- ϕ	بخور
ha-di- ϕ	بده

منفی:

nu-xor-ϕ نخور

ha-n-di-ϕ نده

۲۹-۲ فعل گذشته ساده لازم و متعدی از پیشوند تصریفی یا اشتقاقی، ستاک گذشته و شناسه فعلی ساخته می‌شود:

bu-xord-əm	خوردم	fə-tašt-əm	تراشیدم
bu-xord-i	خوردی	fə-tašt-i	تراشیدی
bu-xord-ϕ	خورد	fə-tašt-ϕ	تراشید
bu-xord-im	خوردیم	fə-tašt-im	تراشیدیم
bu-xord-in	خوردید	fə-tašt-in	تراشیدید
bu-xord-ən	خوردند	fə-tašt-ən	تراشیدند

منفی:

nu-xord-əm نخوردم

fə-nə-tašt-əm نتراشیدم

۳۰-۲ فعل گذشته استمراری لازم و متعدی با ستاک گذشته و شناسه فعلی ساخته می‌شود و پیشوند اشتقاقی در آغاز آن قرار می‌گیرد:

xord-əm	می‌خوردم	fə-tašt-əm	می‌تراشیدم
xord-i	می‌خوردی	fə-tašt-i	می‌تراشیدی
xord-ϕ	می‌خورد	fə-tašt-ϕ	می‌تراشید
xord-im	می‌خوردیم	fə-tašt-im	می‌تراشیدیم
xord-in	می‌خوردید	fə-tašt-in	می‌تراشیدید
xord-ən	می‌خوردند	fə-tašt-ən	می‌تراشیدند

منفی:

nu-xord-əm نمی‌خوردم

fə-nə-tašt-əm نمی‌تراشیدم

۳۱-۲ در این گویش ساخت ویژه‌ای برای فعل گذشته استمراری شرطی وجود ندارد.

۳۲-۲ فعل گذشته نقلی از پیشوند تصریفی یا اشتقاقی، اسم مفعول فعل اصلی و شناسه فعلی ساخته می‌شود و تکیه بر هجای پایانی قرار می‌گیرد:

bu-xordá-m	خورده‌ام	fə-taštá-m	تراشیده‌ام
bu-xord-i	خورده‌ای	fə-tašt-i	تراشیده‌ای
bu-xordə-φ	خورده است	fə-taštə-φ	تراشیده است
bu-xord-im	خورده‌ایم	fə-tašt-im	تراشیده‌ایم
bu-xord-in	خورده‌اید	fə-tašt-in	تراشیده‌اید
bu-xordá-n	خورده‌اند	fə-taštá-n	تراشیده‌اند

منفی:

nu-xordá-m	نخورده‌ام
fə-nə-taštá-m	نتراشیده‌ام

در این گویش نوع دیگری از گذشته نقلی وجود دارد که با اسم مفعول فعل اصلی و حال ساده فعل «داشتن» ساخته می‌شود:

bu-xordə-dar-əm	خورده‌ام (= خورده دارم)
bu-xordə-dar-i	خورده‌ای
bu-xordə-dar-a	خورده است
bu-xordə-dar-im	خورده‌ایم
bu-xordə-dar-in	خورده‌اید
bu-xordə-dar-ən	خورده‌اند

منفی:

nu-xordə-dar-əm	نخورده‌ام
bu-xordə-nə-dar-əm	نخورده‌ام

۳۳-۲ گذشته دور افعال لازم و متعدی از پیشوند تصریفی یا اشتقاقی، اسم مفعول فعل اصلی و گذشته ساده فعل «بودن» ساخته می‌شود:

bu-xordə-bo-m	خورده بودم	ha-da-bo-m	داده بودم
bu-xordə-b-i	خورده بودی	ha-da-b-i	داده بودی
bu-xordə-bu-φ	خورده بود	ha-da-bu-φ	داده بود
bu-xordə-b-im	خورده بودیم	ha-da-b-im	داده بودیم
bu-xordə-b-in	خورده بودید	ha-da-b-in	داده بودید
bu-xordə-bo-n	خورده بودند	ha-da-bo-n	داده بودند

منفی:

nu-xordə-bo-m	نخورده بودم
ha-n-da-bo-m	نداده بودم

نوعی دیگر از گذشته دور در این گویش وجود دارد که با اسم مفعول فعل اصلی و گذشته ساده فعل «داشتن» ساخته می‌شود:

bu-xordə-dašt-əm	خورده بودم (= خورده داشتم)
bu-xordə-dašt-i	خورده بودی
bu-xordə-dašt-φ	خورده بود
bu-xordə-dašt-im	خورده بودیم
bu-xordə-dašt-in	خورده بودید
bu-xordə-dašt-ən	خورده بودند

منفی:

bu-xordə-nə-dašt-əm	نخورده بودم (= خورده نداشتم)
---------------------	------------------------------

۳۴-۲ در این گویش ساخت خاصی برای گذشته دور شرطی وجود ندارد.

۳۵-۲ فعل گذشته التزامی در این گویش شبیه گذشته دور است:

bu-xordə-bo-m	خورده بودم، خورده باشم
---------------	------------------------

۳۶-۲ در این گویش ساخت ویژه‌ای برای گذشته التزامی شرطی دیده نشده است.
 ۳۷-۲ فعل حال در حال انجام با اسم مفعول فعل اصلی و حال ساده فعل «بودن در مکان» ساخته می‌شود:

xordə-dər-əm	دارم می‌خورم	de-dər-əm	دارم می‌بینم
xordə-dər-i	داری می‌خوری	de-dər-i	داری می‌بینی
xordə-dər-a	دارد می‌خورد	de-dər-a	دارد می‌بیند
xordə-dər-im	داریم می‌خوریم	de-dər-im	داریم می‌بینیم
xordə-dər-in	دارید می‌خورید	de-dər-in	دارید می‌بینید
xordə-dər-ən	دارند می‌خورند	de-dər-ən	دارند می‌بینند

منفی:

nu-xordə-dər-əm	دارم نمی‌خورم
ne-de-dər-əm	دارم نمی‌بینم

۳۸-۲ فعل گذشته در حال انجام با اسم مفعول فعل اصلی و گذشته ساده فعل «بودن در مکان» ساخته می‌شود:

xordə-də-bo-m	داشتم می‌خوردم
xordə-də-b-i	داشتی می‌خوردی
xordə-də-bu-φ	داشت می‌خورد
xordə-də-b-im	داشتیم می‌خوردیم
xordə-də-b-in	داشتید می‌خوردید
xordə-də-bo-n	داشتند می‌خوردند

منفی:

na-xordə-də-bo-m	داشتم نمی‌خوردم
------------------	-----------------

۳۹-۲ تعدادی واژه:

asb	اسب
za:k	بچه
bərar	برادر

pəsər/vəčə/vəča	پسر
xâxur	خواهر
xub	خوب
xonə/xona	خانه
dâr	درخت
zən	زن
surx	سرخ
sək	سگ
arus	عروس
pičə/piča	گره
gurg	گرگ
mâr/nənə/nəna	مادر

۳ گویش کلاردشتی

کلاردشت منطقه‌ای است در غرب استان مازندران و در غرب چالوس که در دامنه علم کوه و در شهرستان نوشهر قرار گرفته است. مرکز این منطقه «حسن کیف» است. در این مقاله گویش «رودبارک» که روستایی است در غرب کلاردشت مورد بررسی قرار گرفته است. این گویش دارای ویژگیهای زیر است: ۱-۳ تعداد همخوانهای آن مانند فارسی ۲۳ عدد است.

۲-۳ تعداد واکه‌های آن ۶ عدد است. این واکه‌ها عبارت‌اند از: â (mâr مادر)، a (mar ما)، i (pi پیه)، u (nu نو)، e (se سه) و o (to تو).

واکه مرکب ow در این گویش وجود دارد، مانند xow «خواب».

۳-۳ کشش در این گویش نقش آوایی دارد و نه واجی، مانند e: (pe:č پیچ)، a: (a:l اهل)، o: (šo:le شعله).

۴-۳ گرچه هماهنگی واکه‌ای در این گویش وجود دارد، مانند bo-xord-eme «خوردم»، be-pât-eme «باشیدم»، bi-yâfari-yame «آفریدم»، bu-vâft-eme «بافتم»، ولی نوعی ناهماهنگی واکه‌ای نیز در این گویش دیده می‌شود، مانند bar-eme «می‌برم»، ba-ber-am «ببرم» (رک به کلباسی ۱۳۷۵).

۵-۳ همخوانهای میانجی در این گویش عبارت‌اند از: ?[e]rikâ- (پسر معرفه) و y[bi-]a) y (بود).

۳-۶ جنس در این گویش وجود ندارد.

۳-۷ اسم در این گویش حالت ندارد.

۳-۸ ضمائر شخصی آزاد دارای حالت‌اند و در نقشهای فاعلی، مفعولی و ملکی به کار می‌روند:

فاعلی		مفعولی		ملکی	
men	من	men-e	مرا، به من	me qalb	قلب من
to	تو	te-re	تو را، به تو	te qalb	قلب تو
un/on	او	un-e/on-e	او را، به او	une/ve qalb	قلب او
amâ	ما	amâ-re	ما را، به ما	ame qalb	قلب ما
šomâ	شما	šomâ-re	شما را، به شما	šeme qalb	قلب شما
ušon	آنها	ušon-e	آنها را، به آنها	ušone qalb	قلب آنها

اضافه می‌گردد که حروف اضافه با ضمائر ملکی به کار می‌روند:

me	dasdari	از من
te	dasdari	از تو
un-e/ve	dasdari	از او
ame	dasdari	از ما
šeme	dasdari	از شما
ušon-e	dasdari	از آنها

۳-۹ ضمائر اشاره نیز دارای حالت‌اند و در نقشهای فاعلی، مفعولی و ملکی به کار می‌روند:

فاعلی		مفعولی		ملکی	
in	این	in-e	این را	in-e xone	خانهٔ این
un/on	آن	un-e/ve-re	آن را	un-e xone	خانهٔ آن
išon	اینها	išon-e	اینها را	išon-e xone	خانهٔ اینها
ušon	آنها	ušon-e	آنها را	ušon-e xone	خانهٔ آنها

۳-۱۰ ضمیر مشترک در این گویش به صورت še(r) است:

še piyar پدر خود
men šer bimâme. من خود آمدم.

۱۱-۳ ضمائر شخصی پیوسته در این گویش وجود ندارد.

۱۲-۳ این گویش دارای ساخت ارگتیو نیست.

۱۳-۳ حروف اضافه پیشین و پسین هر دو را دارد. حروف اضافه پیشین مانند «بی»، az «از»، be «به»، tâ «تا»، bedune «بدون» و حروف اضافه پسین مانند dasdari «از دست»، sardari «از روی»، dari «از»، e (r) «از، را، به»، amrâ «با»، dele «در»، (y)âsere «برای»، duni «بخاطر»:

bi pul	بی پول
az te porseme.	از تو می پرسم.
gov-e baberdeme be-kolom.	گاو را بردم به طویله.
tâ xone beyšame.	تا خانه رفتم.
bedun-e jâ	بدون جا
ketâb-e te dasdari beyteme.	کتاب را از تو (از دست تو) گرفتم.
pelle sardari beyšame.	از پله (از روی پله) رفتم.
xow dari peres.	از خواب برخیز.
šivâ re porseme.	از شیوا می پرسم.
amâ šomâ re bad ine.	ما از شما بدمان می آید.
te re deme.	به تو می دهم.
un-e amrâ beyšame.	با او رفتم.
habs-e dele	در حبس
ali yâsere	برای علی
te âsere	برای تو
še piyar-e âsere	برای پدر خود
te duni	به خاطر تو

ملاحظه می گردد که قبل از حروف اضافه پسین، پس از اسم، نشانه e- قرار می گیرد.

۱۴-۳ صفت معمولاً قبل از اسم می آید، از نظر نشانه جمع با اسم مطابقت نمی کند و در پایان نشانه e- می گیرد:

gat-e xone خانه بزرگ

صفت جانشین اسم علامت جمع می‌گیرد.

gat-tar-on bimânne بزرگترها آمدند.

۱۵-۳ صفت تفضیلی با پسوند -tar- و صفت عالی با az hame ساخته می‌شود:

gat-tar بزرگترها

gat-tar-e berâr-on برادران بزرگتر

ĵor-tar-e zenâ-šon زنهای بالاتر

az hame berâr-on gat-tar از همه برادران بزرگتر

۱۶-۳ معدود با عدد هماهنگی ندارد، به این معنی که اسم همراه با عدد علامت جمع نمی‌گیرد. واحد شمارش tâ است که معمولاً پس از عدد قرار می‌گیرد:

do tâ kijâ دو تا دختر

ya tâ mardi bimâ یک مرد می‌آمد.

ya tâ zenâ bimâ یک زنی آمد.

۱۷-۳ مصدر با ستاک گذشته، نشانهٔ مصدری (y)an- و پیشوند تصریفی یا اشتقاقی ساخته می‌شود:

bo-xord-an خوردن

ba-di-yan دیدن

bi-yan بودن

ba-bi-yan شدن

da-bi-yan بودن در مکان

pe-dâšt-an بیدار کردن

da-ket-an افتادن در چیزی

۱۸-۳ اسم مفعول با ستاک گذشته، نشانهٔ اسم مفعول e- یا ϕ - و پیشوند تصریفی یا اشتقاقی ساخته می‌شود:

ba-ništ-e نشسته

ba-ket-e افتاده

ba-xeri- ϕ خریده

da-ket-e افتاده در چیزی

۱۹-۳ اسم فاعل با ستاک حال و پسوند -ende/-ande ساخته می‌شود:

kuš-ende کشنده

par-ande پرنده

xân-ande خواننده

۲۰-۳ نشانه فعل سببی -ân است که پس از ستاک حال می‌آید و وند زمان گذشته i- پس از آن قرار می‌گیرد:

ba-xos-ân-i-yan خوابانیدن

ba-xen-ân-i-yan خندانیدن

ba-niš-ân-i-yan نشانیدن

۲۱-۳ فعل مجهول با اسم مفعول فعل اصلی و فعل ba-bi-yan «شدن» ساخته می‌شود:

bo-xord-e ba-bi-yan خورده شدن

۲۲-۳ پیشوندهای اشتقاقی فعلی در این گویش عبارت‌اند از -par, -per, -pe, -dar, -da, -dim- furu که به یکی از معانی «درون، بیرون، به طرف بالا، به طرف پایین» به کار می‌روند:

da-ket-an افتادن در چیزی

da-ne-ket-an نیفتادن در چیزی

dar-bey-ša-n در رفتن

pe-dâšt-an بیدار کردن

per-essâ-n برخاستن

par-(h)â-dâ-n پرانیدن

dim-(h)â-kord-an انداختن

furu-hâ-kord-an فرو کردن

اضافه می‌گردد که پیشوند (h)â در این گویش تصریفی است و نه اشتقاقی:

dim-(h)â-dâ-n انداختن

hâ-kord-an انجام دادن

hâ-yt-an گرفتن

۲۳-۳ فعل پی‌بستی «بودن» که در زمان حال به دنبال اسم یا صفت می‌آید در این گویش به صورت زیر است:

xob-eme	خوبم
xob-e	خوبی
xob-e	خوب است
xob-emi	خوبیم
xob-enne	خوبید
xob-enne	خوبند

۲۴-۳ شناسه‌های فعلی در این گویش عبارت‌اند از:

نوع اول	نوع دوم
-am	-eme
-i	-e
-e	-e
-im	-emi
-in	-enne
-an	-enne

اضافه می‌گردد که شناسه‌های نوع اول با فعل حال التزامی به کار می‌رود و نوع دوم با بقیه صیغه‌های فعلی.

۲۵-۳ فعل حال ساده (اخباری یا استمراری) با ستاک حال و شناسه‌های فعلی نوع دوم ساخته می‌شود و نشانه استمرار n- پس از ستاک حال در دوم و سوم شخص مفرد اضافه می‌گردد:

bar-eme	می‌برم
bar-n-e	می‌بری
bar-n-e	می‌برد
bar-emi	می‌بریم
bar-enne	می‌برید
bar-enne	می‌برند

منفی:

na-ber-eme نمی‌برم

۲۶-۳ فعل حال التزامی با پیشوند تصریفی یا اشتقاقی، ستاک حال و شناسه‌های نوع اول ساخته می‌شود:

ba-ber-am ببرم

ba-ber-i ببری

ba-ber-e ببرد

ba-ber-im ببریم

ba-ber-in ببرید

ba-ber-un ببرند

منفی:

na-ber-am نبرم

۲۷-۳ فعل حال التزامی شرطی در این گویش ساخت ویژه‌ای ندارد.

۲۸-۳ فعل امر شبیه حال التزامی است، جز اینکه شناسه فعلی دوم شخص ϕ - است:

ba-ber- ϕ بتر

منفی:

na-ber- ϕ نتر

۲۹-۳ فعل گذشته ساده لازم و متعدی با پیشوند تصریفی یا اشتقاقی، ستاک گذشته و شناسه‌های فعلی نوع دوم ساخته می‌شود:

ba-berd-eme بردم

ba-berd-e بردی

ba-berd-e برد

ba-berd-emi بردیم

ba-berd-enne بردید

ba-berd-enne بردند

منفی:

na-berd-eme نبردم

۳-۳۰ فعل گذشته استمراری لازم و متعدی با ستاک حال فعل، نشانه استمرار imi- و شناسه‌های فعلی نوع دوم ساخته می‌شود:

bar-imi-yame می‌بردم

bar-imi- ϕ می‌بردی

bar-imi-ya می‌برد

bar-imi-yami می‌بردیم

bar-imi-yanne می‌بردید

bar-imi-yanne می‌بردند

منفی:

na-ber-imi-yame نمی‌بردم

باید توجه کرد که شناسه‌های فعلی در این صیغه فعلی پس از واکه i تفاوت آوایی پیدا کرده‌اند.

۳-۳۱ گذشته استمراری شرطی در این گویش ساخت خاصی ندارد.

۳-۳۲ گذشته نقلی لازم و متعدی شبیه گذشته ساده است. (رک. گذشته ساده).

۳-۳۳ گذشته دور افعال لازم و متعدی از پیشوند تصریفی یا اشتقاقی، اسم مفعول فعل اصلی و گذشته ساده فعل «بودن» ساخته می‌شود:

ba-berde-bi-yame برده بودم

ba-berde-bi- ϕ برده بودی

ba-berde-bi-ya برده بود

ba-berde-bi-yami برده بودیم

ba-berde-bi-yanne برده بودید

ba-berde-bi-yanne برده بودند

منفی:

na-berde-bi-yame نبرده بودم

۳-۳۴ به نظر می‌رسد ساخت ویژه‌ای برای گذشته دور شرطی در این گویش وجود نداشته باشد.

۳-۳۵ گذشته التزامی از پیشوند تصریفی یا اشتقاقی، اسم مفعول فعل اصلی و حال التزامی فعل «بودن» ساخته می‌شود:

ba-berde -bu-m	برده باشم
ba-berde -bu-y	برده باشی
ba-berde -bu-y(e)	برده باشد
ba-berde -bu-ym	برده باشیم
ba-berde -bu-yn	برده باشید
ba-berde -bu-n	برده باشند

منفی:

na-berde-bu-m نبرده باشم

۳-۳۶ در این گویش ساخت ویژه‌ای برای گذشته التزامی شرطی وجود ندارد.

۳-۳۷ فعل «حال در حال انجام» با حال ساده فعل اصلی و حال ساده فعل کمکی «بودن در مکان» ساخته می‌شود:

dar-eme	bar-eme	دارم می‌برم
dar-e	bar-n-e	داری می‌بری
dar-e	bar-n-e	دارد می‌برد
dar-emi	bar-emi	داریم می‌بریم
dar-enne	bar-enne	دارید می‌برید
dar-enne	bar-enne	دارند می‌برند

منفی:

dar-eme na-ber-eme دارم نمی‌برم

۳-۳۸ فعل گذشته در حال انجام با گذشته استمراری فعل اصلی و گذشته ساده فعل کمکی «بودن در مکان» ساخته می‌شود:

da-bi-yame	bar-imi-yame	داشتم می‌بردم
da-bi-φ	bar-imi-φ	داستی می‌بردی
da-bi-ya	bar-imi-ya	داشت می‌برد
da-bi-yami	bar-imi-yami	داشتیم می‌بردیم
da-bi-yanne	bar-imi-yanne	داشتید می‌بردید
da-bi-yanne	bar-imi-yanne	داشتند می‌بردند

منفی:

da-bi-yame	na-ber-imi-yame	داشتم نمی‌بردم
------------	-----------------	----------------

۳-۳۹ تعدادی واژه:

asb	اسب
vačče	بچه
berâr	برادر
rikâ	پسر
xâxor/dedâ	خواهر
xob/xub	خوب
xone/xune	خانه
dâr	درخت
zenâ	زن
serx	سرخ
sag	سگ
âres	عروس
pičâ	گره
verg	گرگ
mâr	مادر

نتیجه‌گیری

از مقایسه ۳۹ مورد ذکر شده درباره سه گویش اسالمی، املشی و کلاردستی شباهتها و تفاوت‌های زیر به دست آمده است:

- تعداد همخوانها در هر سه گویش یکسان و ۲۳ عدد است (رک. ۱-۱، ۱-۲، ۱-۳).

- تعداد واکه‌ها در اسالمی ۷ عدد، در املشی ۸ عدد و در کلاردشتی ۶ عدد است. در اسالمی واکه ۰ کاربرد ندارد و واکه‌های *ii* (پیشین، بسته، گرد) و *ə* (مرکزی، نیم‌بسته) به صورت واج به کار می‌روند. در املشی واکه ۰ به کار می‌رود و واکه‌های *ii* و *ə* واجگونه‌اند. در کلاردشتی واکه ۰ به کار می‌رود و واکه‌های *ii* و *ə* وجود ندارند. از طرفی واکه دوگانه *ow* در هر سه گویش به کار می‌رود (رک. ۲-۱، ۲-۲، ۲-۳).

- کشش در اسالمی نقش واجی دارد و تمایز معنی به وجود می‌آورد ولی در املشی و کلاردشتی نقش آوایی دارد نه واجی (رک. ۳-۱، ۳-۲، ۳-۳).

- هماهنگی واکه‌ای در هر سه گویش دیده می‌شود، ولی نوعی ناهماهنگی واکه‌ای در کلاردشتی وجود دارد که در دو گویش دیگر دیده نشده است (رک. ۴-۱، ۴-۲، ۴-۳).

- همخوانی‌های میانجی در اسالمی *y*، *w*، *r* و *m*، در املشی *y*، *r* و *r* و در کلاردشتی *y* و *y* است (رک. ۵-۱، ۵-۲، ۵-۳).

- جنس در هیچ یک از این سه گویش وجود ندارد. (رک. ۶-۱، ۶-۲، ۶-۳).

- اسم مفرد و جمع در اسالمی دارای دو حالت صریح و غیرصریح است، ولی در املشی و کلاردشتی اسم دارای حالت نیست (رک. ۷-۱، ۷-۲، ۷-۳).

- ضمائر شخصی آزاد در هر سه گویش دارای حالت‌اند (رک. ۸-۱، ۸-۲، ۸-۳).

- ضمائر اشاره نیز در هر سه گویش دارای حالت‌اند و در نقشهای فاعلی، مفعولی و ملکی به کار می‌روند (رک. ۹-۱، ۹-۲، ۹-۳).

- ضمیر مشترک «خود» در اسالمی به صورت *əšta(n)* در املشی به صورت *xo* یا *xu* و در کلاردشتی به صورت *še(r)* است (رک. ۱۰-۱، ۱۰-۲، ۱۰-۳).

- در اسالمی ضمائر شخصی پیوسته وجود دارند و در نقشهای فاعلی، مفعولی و ملکی به کار می‌روند، ولی در املشی و کلاردشتی این ضمائر کاربرد ندارند (رک. ۱۱-۱، ۱۱-۲، ۱۱-۳).

- اسالمی دارای ساخت ارگتیو است، ولی این ساخت در املشی و کلاردشتی کاربرد ندارد (رک. ۱۲-۱، ۱۲-۲، ۱۲-۳).

- هر سه گویش حروف اضافه پیشین و پسین دارند (رک. ۱۳-۱، ۱۳-۲، ۱۳-۳).

- در هر سه گویش صفت قبل از اسم قرار می‌گیرد، از نظر نشانه جمع صفت با اسم مطابقت نمی‌کند و صفت جانشین اسم علامت جمع می‌گیرد، ولی نشانه پایانی صفت در اسالمی *-a* در املشی *-ə* و در کلاردشتی *-e* است (رک. ۱۴-۱، ۱۴-۲، ۱۴-۳).

- در اسالمی صفت تفضیلی و عالی با حروف اضافه *kā* «از» ساخته می‌شود، در املشی با

پسوند -tər- و عبارت hamə ji «از همه» و در کلاردشتی با پسوند -tar- و عبارت az hame «از همه» (رک. ۱۵-۱، ۱۵-۲، ۱۵-۳).

- در اسالمی معدود با عدد هماهنگی دارد و واحد شمارش gla «تا» است، در املشی و کلاردشتی معدود با عدد هماهنگی ندارد و واحد شمارش به ترتیب tə و tã «تا» است (رک. ۱۶-۱، ۱۶-۲، ۱۶-۳).

- در اسالمی مصدر علاوه بر ستاک گذشته با نشانه مصدری -e ساخته می‌شود و پیشوند تصریفی ندارد. در املشی نشانه مصدری n(ə)- است و پیشوند تصریفی نیز ندارد، ولی در کلاردشتی نشانه مصدری an(y)- است و مصدر با پیشوند تصریفی ساخته می‌شود. اضافه می‌گردد که در هر سه گویش پیشوند اشتقاقی در بعضی از افعال وجود دارد که در آغاز مصدر قرار می‌گیرد (رک. ۱۷-۱، ۱۷-۲، ۱۷-۳).

- نشانه اسم مفعول در اسالمی -a-، در املشی ə- یا φ- است که اولی پس از همخوان و دومی پس از واکه می‌آید و در کلاردشتی -e یا φ- است. ضمناً در املشی و کلاردشتی اسم مفعول علاوه بر پیشوند اشتقاقی دارای پیشوند تصریفی است، ولی در اسالمی اسم مفعول تنها پیشوند اشتقاقی می‌گیرد (رک. ۱۸-۱، ۱۸-۲، ۱۸-۳).

- در اسالمی اسم فاعل با پیشوند -a- و ستاک حال ساخته می‌شود، در املشی با ستاک حال و پسوند: ə/ənda- و در کلاردشتی با ستاک حال و پسوند -ende/ande- (رک. ۱۹-۱، ۱۹-۲، ۱۹-۳).
- نشانه فعل سببی در اسالمی ân- در املشی an- و در کلاردشتی ân- است که پس از ستاک حال فعل قرار می‌گیرد. وند زمان گذشته که پس از ستاک حال قرار می‌گیرد در اسالمی əst- در املشی e- و در کلاردشتی i- است (رک. ۲۰-۱، ۲۰-۲، ۲۰-۳).

- فعل مجهول در اسالمی با ستاک حال فعل و وند زمان گذشته ist- ساخته می‌شود و در املشی و کلاردشتی با اسم مفعول فعل اصلی و فعل کمکی «شدن» به دست می‌آید (رک. ۲۱-۱، ۲۱-۲).

- پیشوندهای اشتقاقی در سه گویش اسالمی، املشی و کلاردشتی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. اضافه می‌گردد که پیشوند â- که گونه‌ای از hã- است در اسالمی اشتقاقی است و -ha- که گونه‌ای است از hã- نیز در املشی اشتقاقی است ولی â- و (h)â- در املشی و کلاردشتی تصریفی محسوب می‌گردد. (رک. ۲۲-۱، ۲۲-۲، ۲۲-۳).

- این سه گویش در فعل پی‌بستی «بودن» با یکدیگر متفاوت‌اند (رک. ۲۳-۱، ۲۳-۲، ۲۳-۳).
- شناسه‌های فعلی در اسالمی و کلاردشتی دو نوع و در املشی یک نوع است (رک. ۲۴-۱، ۲۴-۲).

- فعل حال ساده در اسالمی با گونه‌ای از پیشوند تصریفی، نشانه استمراری a- و ستاک گذشته ساخته می‌شود ولی در املشی و کلاردشتی این نوع فعل با ستاک حال ساخته می‌شود (رک).
۲۵-۱، ۲۵-۲، ۲۵-۳).

- فعل حال التزامی در هر سه گویش با پیشوند تصریفی، ستاک حال و شناسه فعلی ساخته می‌شود (رک). ۲۶-۱، ۲۶-۲، ۲۶-۳).

- اسالمی دارای ساخت ویژه‌ای برای فعل حال التزامی شرطی است ولی املشی و کلاردشتی ساخت خاصی برای این نوع فعل ندارند (رک). ۲۷-۱، ۲۷-۲، ۲۷-۳).

- فعل امر در هر سه گویش ساخت یکسانی دارد (رک). ۲۸-۱، ۲۸-۲، ۲۸-۳).

- فعل گذشته ساده لازم و متعدی در اسالمی دو ساخت متفاوت دارد، ولی املشی و کلاردشتی ساخت یکسانی برای این دو نوع فعل دارند (رک). ۲۹-۱، ۲۹-۲، ۲۹-۳).

- فعل گذشته استمراری در اسالمی با دو نشانه استمرار a- و i- و ستاک حال فعل ساخته می‌شود، در کلاردشتی این نوع فعل با نشانه استمرار imi- و ستاک حال فعل و در املشی با ستاک گذشته، بدون نشانه استمرار تشکیل می‌شود (رک). ۳۰-۱، ۳۰-۲، ۳۰-۳).

- گذشته استمراری شرطی در اسالمی ساخت ویژه‌ای دارد ولی این نوع فعل در املشی و کلاردشتی ساخت خاصی ندارد (رک). ۳۱-۱، ۳۱-۲، ۳۱-۳).

- گذشته نقلی لازم و متعدی در اسالمی دو ساخت متفاوت دارد، در املشی دو نوع گذشته نقلی وجود دارد که برای افعال لازم و متعدی یکسان است. ولی گذشته نقلی در کلاردشتی شبیه گذشته ساده است (رک). ۳۲-۱، ۳۲-۲، ۳۲-۳).

- گذشته دور افعال لازم و متعدی در اسالمی دو ساخت متفاوت دارد. املشی دو نوع گذشته دور دارد که برای افعال لازم و متعدی یکسان است. ولی کلاردشتی تنها یک نوع ساخت برای این صیغه فعلی دارد (رک). ۳۳-۱، ۳۳-۲، ۳۳-۳).

- در اسالمی ساخت ویژه‌ای برای گذشته دور شرطی وجود دارد. ولی املشی و کلاردشتی برای این نوع فعل ساخت خاصی ندارند (رک). ۳۴-۱، ۳۴-۲، ۳۴-۳).

- اسالمی برای گذشته التزامی افعال لازم و متعدی دو ساخت متفاوت دارد. در املشی گذشته التزامی شبیه گذشته دور است و در کلاردشتی این نوع فعل با پیشوند، اسم مفعول فعل اصلی و حال التزامی فعل «بودن» ساخته می‌شود (رک). ۳۵-۱، ۳۵-۲، ۳۵-۳).

- فعل گذشته التزامی شرطی در اسالمی ساخت ویژه‌ای دارد. ولی املشی و کلاردشتی ساخت خاصی برای این نوع فعل ندارند (رک). ۳۶-۱، ۳۶-۲، ۳۶-۳).

- فعل حال در حال انجام در اسالمی به کمک نشانهٔ استمرار *kâr*، حال ساده فعل «بودن» و مصدر ساخته می‌شود. ولی املشی و کلاردشتی این نوع فعل را به کمک حال سادهٔ فعل «بودن» در مکان» می‌سازند (رک. ۱-۳۷، ۲-۳۷، ۳-۳۷).

- فعل گذشته در حال انجام در اسالمی به کمک نشانهٔ استمرار *kâr*، گذشتهٔ ساده فعل «بودن» و مصدر ساخته می‌شود. املشی و کلاردشتی این نوع فعل را به کمک گذشتهٔ سادهٔ فعل «بودن» در مکان» می‌سازند (رک. ۱-۳۸، ۲-۳۸، ۳-۳۸).

- در بخش واژگان این مقاله که حدود ۱۵ واژه است تنها ۲ واژهٔ *asb* («اسب») و *dâr* («درخت») در هر سه گویش یکسان‌اند. از ۱۳ واژهٔ باقیمانده ۵ واژه در این سه گویش با یکدیگر تفاوت آوایی دارند، مانند *bêrâ* (اسالمی)، *bêrar* (املشی) و *berâr* (کلاردشتی) به معنی «برادر»، ۲ واژه با یکدیگر تفاوت واژگانی دارند، مانند *xerdan* (اسالمی)، *za:k* (املشی) و *vačče* (کلاردشتی) به معنی «بچه» و ۶ واژه نسبت به هم تفاوت‌های آوایی و واژگانی دارا هستند، مانند *vayu* (اسالمی)، *arus* (املشی) و *âres* (کلاردشتی) به معنی «عروس» (رک. ۱-۳۹، ۲-۳۹، ۳-۳۹).

نتیجه‌گیری کلی

از نتایج به دست آمده چنین به نظر می‌رسد که گویش تالشی اسالمی در مقایسه با گیلکی املشی و مازندرانی کلاردشتی از اصالت بیشتری برخوردار است. به این معنی که این گویش ویژگی‌های زبانه‌های ایرانی باستان مانند حالت صریح و غیرصریح برای اسم مفرد و جمع، ساخت ارگتیو، تفاوت ساخت افعال لازم و متعدی، تنوع بیشتر صیغه‌های فعلی، کاربرد ستاک گذشته برای حال ساده و ستاک حال برای گذشتهٔ استمراری، کاربرد ضمائر شخصی پیوسته، هماهنگی عدد و معدود و غیره را بهتر در خود حفظ کرده است.

کتابنامه

- ثمره، یدالله، ۱۳۷۶. «تحلیل ساختاری فعل در گویش گیلکی کلاردشت»، مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۲۶، ش ۱-۴، ص ۱۸۷-۱۶۹.
- جلالی امام، سیده‌لعیا، ۱۳۷۹-۸۰. گویش املشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز تحصیلات تکمیلی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی ایران کلباسی (چاپ نشده).
- کلباسی، ایران، ۱۳۷۱. «تنوع لهجه‌ها در گویش گیلکی»، مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲۵، ش ۴، ص ۹۷۶-۹۳۴.

کلباسی، ایران، ۱۳۷۲. «پیشوندهای تصریفی و اشتقاقی در افعال گویش مازندرانی کلاردشت»، مجله زبانشناسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، س ۱۰، ش ۱، ص ۸۸-۱۰۵.
کلباسی، ایران، ۱۳۷۵. «نوعی ناهمگونی واکه‌ای در گویش کلاردشتی»، مجله زبانشناسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، س ۱۳، ش ۱ و ۲، ص ۱۱۶-۱۲۲.
کلباسی، ایران، ۱۳۷۶. گویش کلاردشت (رودبارک). تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Yarshater, Ehsan, 1996. "The Taleshi of Asâlem", *Studia Iranica*. Paris, Tome 25, fascicule I, p. 83-113.

مرکز نشر دانشگاهی منتشر می‌کند:

مجله باستان‌شناسی و تاریخ

سال نوزدهم، شماره اول،

پاییز و زمستان ۱۳۸۳، شماره پیاپی ۳۷

خزانه اسناد در ایران باستان/مهناز بردبار

روابط ایران با اسپانیا و پرتغال از عصر شاه‌عباس اول تا سقوط صفویان/مهدی موسوی

الگوهای استقراری دشت بردسیر از پیش از تاریخ تا دوره اسلامی/علیرضا خسروزاده

گورستان «مادی» (؟) کلاک کرج؛ بازبینی یافته‌های ... /مهرداد ملکزاده

مهر «جواهرساز» از شوش و هنر آوان/ نوشته هالی‌پیت من/ترجمه شهرناز اعتمادی